

## ورود ایرانیان زرتشتی به خاور دور

از سده‌ی هفتم تا یازدهم میلادی:

نگاهی به ظهور آیین مزدایی در شرق بعد از سقوط اقتدار خاندان ساسانی در ایران

شهاب ستوده‌نژاد

عضو (غیرانتفاعی) انستیتو ایران‌شناسی بریتانیا

### پیش‌گفتار

شواهدی در دست است که حکایت از تداوم فرهنگی و حفظ ارزش‌های روزگار ساسانی و آیین مزدایی در خاور دور بلافاصله بعد از سقوط حکومت ساسانیان و امپراتوری آن‌ها در فلات ایران و بین‌النهرین دارد. هجوم و حرکت‌های مهاجرتی ایرانیان مزدایی به سمت خاور دور از بعد از حمله‌ی نهاوند شروع شده بود، اما در عین حال نشانه‌هایی نیز وجود دارد که به‌ورود و پایگاه‌ها و کانون‌های اقامت تجار ایرانی در خاور دور از چند سده‌ی پیش از ظهور اسلام در چین و هندوچین حکایت دارند و بعد از سده‌ی هفتم، به‌تعداد مهاجران مزدایی در خاور دور افزوده شد، ضمن این‌که از این رهگذر آیین زرتشت نیز در شرق انتشار یافت.

تجارت دریایی ایران باستان در خاور دور  
متن‌های چینی از جمله در متن لیانگ شو (Liang-Shu) به‌ارتباط ایران و یک حکومت در شمال هند با فدراسیون سلطان‌نشین تون - سون (Tun-Sun) اشاره‌هایی دارد. این فدراسیون حکومتی از پنج سلطان تشکیل شده بود، که سلاطین دو ناحیه‌ی آن با پارت‌ها و یک حکومت در شمال هند ارتباط داشتند. دون - سون یک فدراسیون بندری در نواحی جنوبی سیام بود. از اواخر هزاره‌ی اول پیش از میلاد، تجارت دریایی از خلیج فارس و اقیانوس هند و سیلان و خلیج بنگال و یونان به‌جنوب شرقی آسیا می‌رسید و بازرگانان هند و اروپایی از ممالک باستانی به‌تنگه‌ی مالاکا و تایلند کشتی‌رانی می‌کردند. در سده‌ی سوم میلادی، فدراسیون سلطان‌نشین دون - سون در حمایت امپراتوری فونان (Funan) در هندوچین بود که با ایران باستان روابط

تجاری داشت. باستان شناسان در نواحی قلمرو کشور فونان در هندوچین که در نواحی کامبوج بود، یک بندر را شناسایی کرده‌اند که به احتمالی با ایرانیان ساسانی روابطی داشته است، زیرا یک قرص شیشه‌ای با شکل و شمایل کاری به سبک صورتهای سکه‌های ساسانی را روی آن شناسایی کرده‌اند.

یک سفیر چینی به نام کنگ‌تای (K'ANG T'AI) که در سده‌ی سوم میلادی در کشور فونان حضور داشته، به تجارت دریایی غرب آسیا با هندوچین و خطوط و شاه‌راه‌ها و کالاهای آن توجه نشان داده و در سفرنامه‌ی رسمی و گزارش‌هایش به این نقل و انتقال‌ها که به احتمالی مربوط به تجارت دریایی ایران باستان بوده، یادداشت‌ها و اشاره‌هایی را ضبط کرده است. متن‌های چینی دیگر به ورود بازرگانان ایرانی به بنادر خاور دور اشاره می‌کند و این گونه به نظر می‌رسد که از سده‌ی چهارم میلادی به بعد، کشتی‌های تجاری ایران در بنادر ویتنام دیده شده بودند، ضمن این‌که نفوذ قلمرو چین از میانه‌های سده‌ی اول میلادی به شمال آنام (North Annam) در ویتنام رخنه کرده بود. در سده‌های اولیه‌ی مسیحی، تجارت دریایی ایران در خاور دور، بیش‌تر در رابطه با گیاهان کمیاب و فرآورده‌های درختان و چوب‌های اعلی بود، که یا از طریق قلمرو ایران به خاور دور صادر می‌شد و یا به همت بازرگانان ایرانی از منابع گیاهی موجود در جنوب چین بهره‌برداری به عمل می‌آمد، و از جمله کاربردهای انواع و اقسام درخت‌های بلوط جنوب چین به وسیله‌ی ایرانیانی بود که از چوب آن‌ها برای ساختن قایق‌ها استفاده می‌کردند و درختانی که از منابع آن‌ها عودهای ایرانی تولید می‌شد. این تجارت ایرانی از سده‌ی چهارم شروع شده بود. در آن زمان کشور ایران به دلیل جغرافیایی، پارس (PARSA) و به تلفظ زبان چینی پو - سو (Po-Ssu) گفته می‌شد. ایرانیان به دلیل مهارت‌های تجاری و دریانوردی، دارای شهرت بودند، و در یک متن چینی به نام کوآنگ چی (Kwang Chih) متعلق به سده‌ی پنجم میلادی به بازرگانان پو - سو که در فعالیت‌های چوبی و عودسازی بودند، اشاره شده است. در زبان چینی لفظ پو - سو Po-ssu در ارتباط با ایرانیان پیش اسلامی بوده است و به ورود ایرانیان بی‌شماری در اوایل سده‌ی هفتم میلادی که معاصر ظهور خاندان حکومتی تنگ (T'ANG) بود، اشاره رفته است.

#### ظهور پناهندگان مزدایی در هندوچین

در منابع اسلامی به نقل از امام‌الدین به خروج و پناه‌گیری ایرانیان آواره در خاور دور به ویژه بعد از نبرد نهاوند اشاره کرده و به حرکت ایرانیان از سال ۶۴۳ میلادی به سمت جنوب شرقی آسیا، صحنه گذارده است. بسیاری از این ایرانیان به هندوچین و نواحی دیگر خاور دور، از جمله

جزیره‌ای در محور جنوب چین وارد شده بودند. کشور باستانی چمپا (Champa) در هندوچین و جزیره‌ی هاینان (Hainan) در قلمرو چین باستان، پذیرای ایرانیان پناه‌جو از بعد از نبرد نهاوند، شدند. جزیره‌ی هاینان در محور خارجی کرانه‌های جنوب چین واقع شده بود. گفته می‌شود که بعضی از ایرانیان یاد شده به‌دیگر منطقه‌های خاور دور، و از جمله به‌شبه جزیره‌ی کره نیز رسیده بوده‌اند.

در اواخر سده‌ی نهم میلادی، به‌حضور ایرانیان مزدایی در شهرستان گوانگ‌زو (Guang Zhou) در جنوب چین اشاره‌هایی هست. آن‌ها مغان ایرانی بوده‌اند، که در شهر بندری کانتون مقیم شده بودند و این‌گونه نوشته‌اند که در آن عهد، بازرگان ایرانی از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در کانتون (Canton) برخوردار بودند.

همان‌گونه پیش‌تر اشاره کردیم، لفظ پو-شو (po-ssu) کاربرد ویژه‌ی زبان چینی برای ایرانیان غیر مسلمان، و به‌احتمالی مورد کاربرد برای ایرانیان مزدایی بوده است. در جزیره‌ی هاینان، ایرانیان مهاجر، کانون اقامتی تشکیل دادند و نویسنده‌ای چینی به‌نام هوئی چائو (Hui CH'AO) به‌یک دهکده‌ی ایرانی در آن جزیره در سال ۷۴۸ میلادی اشاره کرده است، این اشاره به‌احتمالی نمایانگر بقای بازماندگان ایرانیان پو-شو و یا به‌عبارتی، زرتشتی-مزدایی، در کرانه‌های جنوبی چین، در بیش از یک سده بعد از نبرد نهاوند است.

البته ما می‌دانیم که به‌غیر از ایرانیان مزدایی، پیروان آیین مانوی و مسیحیان نستوری نیز به‌خاور دور رفته بودند، زیرا به‌تاسیس آتشکده‌های زرتشتی و معبد‌های مانوی و کلیساهای نستوری در پایتخت و دیگر شهرهای چین اشاره شده است.

ایرانیان مزدایی در سده‌ی اول هجری، به‌بنادر هندوچین و جنوب چین رسیدند. و چون تعداد کثیری را تشکیل می‌دادند، رفته‌رفته به‌ظهور کانون‌های ایرانیان مزدایی در خاور دور انجامید. منابع مطالعاتی در جنوب شرقی آسیا، به‌کانون ایرانیان زرتشتی مذهب در کشور باستانی و سده‌های میانه‌ی «چمپا» اشاره کرده‌اند و این‌که یک نویسنده‌ی اسلامی به‌حضور بازماندگان ایرانی در بنادر جنوب شرقی آسیا در نیمه‌ی اول سده‌ی دهم میلادی اشاره کرده است.

این‌که ایرانیان مزدایی مذهب در «کشور بندری چمپا» دوام آورده بوده‌اند، از آن جهت بر ما روشن است که در ادبیات و متن‌های به‌یادگار مانده‌ی اقلیت‌های چم (Cham) در ویتنام، سنت‌های شفاهی و نگارش، به‌خسر و انوشیروان اشاره‌ی عمیقی دارند که به‌احتمالی حکایت از امثال و حکم و گفته‌های حکمت‌آموز انوشیروان و حفظ ایده‌آل‌ها و باورهای عصر مزدایی ایران در میراث و اساتیر مردمان هندوچین است.

## تأثیر آیین مزدایی در چین

بعد از سقوط سلسله‌ی ساسانی در ایران در بعد از نبرد نهاوند، بازماندگان یزدگرد سوم به آسیای میانه رفتند و در آسیای میانه مستقر شدند. در آن زمان از نیمه‌ی دوم سده‌ی هفتم میلادی، خاندان حکومتی چین، بازماندگان دربار ساسانی را به‌عنوان بقایای امپراتوری ساسانی به رسمیت شناخت، و در نهایت واژه‌ی تلفظی چینی، یعنی پو-سو (PO-SSU) در مرحله‌ی تاریخی سده‌ی اول هجری، شامل اشاره به خاندان ساسانی در آسیای میانه می‌شد که وابسته به آیین مزدایی بودند، زیرا منابع چینی به تاسیس آتشکده‌ی مزدایی در شهر چانگ ان (CH'ANG-AN) پایتخت چین به دست پیروز سوم، فرزند یزدگرد سوم اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر، پیروز ساسانی، پادشاه یک کشور ساسانی در آسیای میانه تلقی می‌شد. منابع چینی افزوده‌اند که بازرگانان ایرانی - ساسانی که در دوره‌ی خاندان کنگ در چین حضور داشتند، کنترل شاهراه‌های تجارت دریایی را در آبراه‌های خاور دور به دست آورده بودند، و با اتکا به تجربه‌ها و دانش و صنایع کشتیرانی، و حرکت‌های متداوم در بنادر تجاری منطقه، صاحب نفوذ قابل ملاحظه‌ای شده بودند و حرکت ناوگان‌های دریایی را به سمت خلیج فارس در سده‌ی نهم در اختیار خود داشتند. در هانوی، سندی به دست آمده که نشان می‌دهد یک ایرانی به‌عنوان نماینده‌ی رسمی و مباشر امور تجارت‌های بندری، انجام وظیفه می‌کرده و تاریخ وظایف او در سال ۷۱۴ تا ۷۱۵ میلادی بوده است.

این تحول باید در رابطه با ورود هزاران ایرانی به ویژه رجال و درباریون و هنرمندان ایرانی به پایتخت چین از سده‌ی هفتم میلادی به بعد، مورد توجه ما قرار بگیرد، زیرا ظهور آیین مزدایی در چین، زیر نفوذ طبقات مرفه جامعه‌ی ساسانی در چین باستان منتشر شده بود و چینی‌های دریاری آیین مزدایی را پذیرفتند و اصول و مبانی آن را ارج می‌نهادند که تا چند سده مورد تقلید و تأثیرگذار در اعتقادات و روش‌های عقیدتی - اندیشه‌ای چینی‌ها بود.

از طرفی، ایرانیان ساسانی در تمام شئون اجتماعی و فرهنگی و هنری عصر تاریخی تنگ نفوذ کرده و تأثیرگذار بودند، تا حدی که درباریون و اشراف چین، لباس‌های ایرانی متعلق به عصر ساسانی را در زمانی الگو قرار داده بودند، که ایران در فاز اسلامی تاریخش بود، ولی در دربار یک امپراتور چین در سده‌ی هشتم میلادی، موسیقی ایرانی و شیرینی‌های ایرانی و هنرهای ساسانی، مورد تقلید بزرگان بود. این تأثیرهای ساسانی، و حضور آتشکده‌های مزدایی در شهرهای چین، دارای بازتاب‌های بسیار گسترده‌ای در فرهنگ، و نگرش‌های مردم چین بود. در سده‌ی نهم میلادی، شهروندان چینی در لویانگ (Loyang) به فراگیری نت‌های موسیقی ایران باستان مشغول بودند.

در این دوران، یعنی از سده‌ی هشتم و حتا در بعد از سده‌ی نهم و تا سده‌ی یازدهم میلادی، به‌ورود و خروج ایرانیان و تجار مقیم شهرها و بنادر مختلف چین اشاره وجود دارد. البته ایرانیان مسلمان نیز شامل ایرانیان واردشونده به چین بودند، و از جمله به‌ورود مسلمانان شیعه مذهب از خراسان به کانتون اشاره هست. اما ایرانیان مزدایی که بقایای تمدن و عصر ساسانی بودند، نقش عمده‌ای در نشو و نما و معرفی معیارهای ایران باستان در چین بازی کرده بودند. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که ایرانیان مزدایی در شهرهای چین دوام آوردند، و بازماندگان آنها نسل بعد از نسل، در چین بودند، زیرا به‌حضور نسل‌های بعدی آنها از بعد از سده‌ی هشتم تا یازدهم میلادی، اشاره‌هایی موجود است و این‌که حضور آنها، هموارکننده‌ی ورود و خروج ایرانیان دیگری از پارس و آسیای میانه، از بعد از نبرد نهاوند، و در سده‌های بعدی و تاثیر این حرکت‌ها در چین بوده است.

منابع چینی نوشته بودند که اغلب مهم‌ترین و متشخص‌ترین ایرانیان ساسانی به پایتخت چین وارد می‌شدند. در سده‌ی هشتم میلادی، رفته‌رفته نشانه‌های ظهور یک عصر جدید عقیدتی و فرهنگی در آسیای میانه شروع به شکل‌گیری کرد. معروف است که امیرنشین بخارا که از ترس تاراج و غارت‌های طوایف عرب، به وحشت افتاده بود، فرستادگانی به دربار چین گسیل داشت و تقاضای حمایت نظامی کرد. طوایف عرب، به تدریج در آسیای میانه پیشروی کردند؛ حتا به‌رخنه‌ی غارتگران عرب به کانتون اشاره شده است.

دمشقی به‌ورود مسلمانان در هندوچین در عصر خلافت عثمان اشاره کرده است، ما می‌دانیم که مسلمانان عصر بنی‌امیه نیز در زمان ظهور خلافت عباسی، به‌سرنوشت ایرانیان مزدایی دچار شدند و به‌عنوان آواره و پناهنده به‌خاور دور کوچ کردند و ممالک هندوچین و کرانه‌های دریای چین، پذیرای مسلمانان غرب آسیا نیز شدند. اما، نقطه‌ی عطف تمامی این تحولات، ادغام و رخنه‌ی باورهای مزدایی بود. این مهم هم از طریق ورود ایرانیان مزدایی مذهب به‌انجام رسید. این تاثیرها آنقدر قوی بود که بقایای سمبولیک آنها، در عصر حاضر، در زوایای فرهنگ و اساتیر و متن‌ها و دیگر ارزش‌های حفظ شده‌ی خاور دور، در سده‌های بیستم و بیست و یکم میلادی نیز باقی مانده‌اند.

#### منابع و ماخذ

1. Zakaria, Ali, 1994, Islamic art In Southeast Asia, PP. 25, 191, Dewan Bahasa Dan Pustaka: Kuala Lumpur.
2. Allan Bruce, 1996, Notes on Early Mosques of The Malaysian Peninsula, Journal of The Malaysian Branch of the Royal Asiatic society, Volume LXIX, Part2.

3. Adhir K. Chakravarti, 1995, Early Sino-Indian Maritime Trade And Fu-Nan, The Southeast Asian Review, Volume xx, No.1-2, January-December.
4. Adhir K. Chakravarti, 1995, International Trade and Towns of Ancient Siam, the South East Asian Review, volume xx, No. 1-2.
5. Ian Gillman and Hans-Joachim Klumkeit, 1999, Christians In Asia Before 1500, PP.156-157, Curzon: Surrey
6. Wang Gungwu, 1958, The Nanhai Trade, Journal of the Malaysian Branch of the Royal Asiatic Society, Volume XXXI, Part 2, June.
7. Ryoichi Hayashi, 1975, The Silk Road and the Shoso-In, PP. 85-100, the Heibonsha Survey of Japanese Art, volume 6, Weatherhill-Heibonsha: New York-Tokyo.
8. محمدجواد مشکور، ۱۳۶۷، تاریخ سیاسی ساسانیان، بخش دوم، ص ۱۲۷۷-۱۲۸۷، ۱۲۹۰-۱۲۹۲، دنیای کتاب: تهران.
9. Edward H. Schafer, 1963, The Golden Peaches of Samarkand: A study of T'Ang Exotics, PP. 9-19, 122, 198, University of California Press: Berkeley
10. Edward H. Schafer, 1967, The Vermilion Bird: T'Ang Images of the South, PP.76-77, 180, 198, University of California Press: Berkeley.
11. Edward H. Schafer, 1967, Ancient China, PP. 37-40, 107, 167-172, Time-Life Books: New York
12. Nahal Tajadod, 1994, The Zoroastrian Themes in the Chinese Manichaeian Literature, PP. 87-100, Journal of the Asiatic Society of Bombay, Volume 69, New Series.

### نترس!

ریس کمیته‌ی سینماتوگرافی - «بولشاکوف» - وارد دفتر استالین شد برای گرفتن مجوز صدور یک فیلم. خودنویس را به دست استالین داد. خودنویس نمی‌نوشت. بولشاکوف خودنویس را گرفت و چند بار تکانش داد. جوهر بیرون زد و ریخت روی شلوار سفید ژنرال.

بولشاکوف ترسید. استالین غضبناک بولشاکوف را نگاه می‌کرد. بولشاکوف داشت قالب تهی می‌کرد! استالین راضی از تاثیر نگاهش پرسید:

- ترسیدی بولشاکوف؟ نکند گمان کردی که رفیق استالین تنها یک شلوار دارد

- آخرین شلوار؟! -